

## مطالعه توسعه انسانی، آموزش و نابرابری

جواد شیرکرمی<sup>۱</sup>، حسین عزیزی نژاد<sup>۲</sup>، روح الله میرشکاری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

<sup>۲</sup>مدرس دانشگاه

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دبیر آموزش و پرورش

### چکیده

همگام با توسعه جوامع بشری، عواملی نظری توسعه ناموزون و شکاف بین جوامع همواره مطرح بوده است. از طرفی، هر گونه تغییر سازنده‌ای بدون توجه به تربیت نیروی انسانی و فرستاده‌ای برابر، ثمربخش نخواهد بود. پژوهش حاضر با هدف مطالعه مفاهیم توسعه، آموزش و نابرابری صورت گرفته است. به منظور جمع آوری مطالب لازم، از مجموعه آثار مرتبط و چاپ شده در ارتباط با موضوع، استفاده شده و سپس به توصیف و تحلیل مباحث جمع آوری شده پرداخته شده است. بر اساس مطالعه و بررسی اسناد و مطالب، می‌توان نتیجه گرفت جوامعی به پیشرفت، ترقی و تعالی دست یافته‌اند که توانسته اند نیروی انسانی خود را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا دهند و استعدادهای نهفته و بالقوه آنها را شکوفا سازند. بنابراین کشورهای در حال توسعه به انواع سرمایه‌گذاری بر روی انسان در ابعادی نظری تربیت حرفه‌ای، بهداشت، حمل و نقل، و .. توجه بیشتری دارند. در دهه های اخیر، همچنان در صد بیسوادی در آفریقا و برخی کشورهای آسیایی بالاست. ایران در زمینه شاخص‌های امید به زندگی و میانگین سالهای حضور در مدرسه، در طی دهه‌های اخیر تغییرات مطلوبی داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه، نیروی انسانی، آموزش، نابرابری.

## مقدمه

در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن می‌باشد. بر همین مبنای کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه در صدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱). اما در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴).

برابری فرصت‌ها نوعی نگاه عدالت خواهانه را بهمراه دارد و به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته تلقی می‌گردد، جامعه‌ای که در آن مردم در کنار رفاه و آزادی، عدالت و برابری را هم تجربه خواهند کرد. امروزه حق برخورداری از آموزش و پرورش به مفهوم برخورداری از آموزشی است که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد و برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش به منزله‌ی این که هر کس در داخل نظام آموزشی، فرصت و امکان توفیق مساوی داشته باشد، تلقی می‌شود. به همین جهت تمامی استراتژی‌هایی که در زمینه‌ی همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می‌رود، یک هدف را دنبال می‌کنند و آن برخورداری برای همگان از فرصت‌های آموزش با کیفیت مطلوب می‌باشد. بدین منظور تلاش می‌شود تا فرصت‌های آموزشی یکسان را برای گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم فراهم سازند و موانع و محدودیت‌های طبقاتی، منطقه‌ای و جنسیتی را از میان بردارند (اسماعیل‌سرخ، ۱۳۸۶). لزوم آموزش و عدالت آموزش در معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در آستانه‌ی عصر جدید و نیاز دولتها به حضور در عرصه جهانی، توجه ویژه به آموزش به عنوان یک حق برای ملت‌ها پر رنگ شده است. بر این اساس دولتها متعهد به تأمین آموزش برای آحاد ملت خود هستند. حق قانونی برای دسترسی به آموزش پلی برای لذت بردن از همه حقوق انسانی دیگر است و نادیده انگاشتن این حقوق به مخاطره اندختن انسانیت است (توماسووسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

تودارو<sup>۲</sup> (۱۳۷۱) وظیفه اصلی توسعه ملی در اکثر کشورهای جهان سوم را گسترش کمی و سریع فرصت‌های آموزشی می‌داند تا جوانان دختر و پسر در این جوامع قابلیت‌های خود را تا سرحد امکان بروز داده و فاصله آنها با افراد سایر مناطق به حداقل رسیده و ضریب نابرابری صفر گردد.

از مطالعه ادبیات نابرابری‌های آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که فقر و اختلاف بین شهر و روستا، از جمله عواملی است که در تعیین نرخ ترک تحصیل و پوشش‌های تحصیلی مؤثرند. در بسیاری از کشورها، روستاهای در مقایسه با مناطق شهری، از توجه کمتری برخوردارند (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶). از طرفی وجود مسائلی از قبیل ساختمانها و تجهیزات محدود و ناقص، فضاهای شلوغ تر از حد ظرفیت، عدم تناسب عرضه‌ی معلمان با میزان ثبت‌نامها، عدم توازن منطقه‌ای در زمینه‌ی دسترسی به آموزش و حضور در مدرسه و همچنین مسائل کمی دیگری همچون افت تحصیلی و ترک تحصیل، از جمله مسائلی هستند که بر برابری فرصت‌های آموزشی تأثیر گذار هستند (موسوی، ۱۳۸۸).

اهمیت آموزش عمومی و به خصوص آموزش پایه، بسیار حائز اهمیت است. می‌توان گفت منظور از فرصت‌های آموزشی برابر، به معنی داشتن شانس مساوی کلیه لازم‌التعلیمان (اعم از دختر و پسر و شهری یا روستایی) برای ورود به نظام آموزشی و برخورداری از معلمان، امکانات و فضاهای آموزشی مناسب است. مسئله نابرابری موجود در نظام آموزشی را می‌توان از سه دیدگاه بررسی و مطالعه کرد: اول از نظر دسترسی به، یا برخورداری از آموزش؛ دوم از نظر منابعی که به عنوان نهاده‌های نظام در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته‌اند؛ نظیر هزینه سرانه، نسبت معلم به دانش‌آموز و امکاناتی که در اختیار مدرسه قرار می-

<sup>۱</sup>. Tomasevski

<sup>۲</sup>. Todaro

گیرد. سوم از نظر عملکرد نظام که با شاخص‌هایی نظیر نسبت مردودین به قبول شدگان، نرخ ارتقای علمی، نرخ افت تحصیلی و سطح نمرات سنجیده می‌شود (متولی و آهنچیان، ۱۳۹۰).

همچنان که در مطالب مورد اشاره قرار گرفته است، در اغلب مباحث مرتبط با توسعه یافته‌گی، تمرکز اصلی بر فرهنگ و آموزش است. بنابراین در چند دهه اخیر مسأله تسهیل و فراهم سازی امکان تحصیل به عنوان نقطه‌ای مطلوب مد نظر همه کشورها و با هر سطح از توسعه قرار داشته است.

### توسعه‌ی منابع انسانی

توسعه به معنای ارتقای مستمر و نظام به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر تعریف شده است. استیگلیتز<sup>۳</sup> برنده جایز نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ با استفاده از عبارت توسعه همه‌جانبه، توسعه را یک فرایند انتقال از روابط سنتی، روش‌های سنتی تفکر و روش‌های سنتی اقدام در زمینه بهداشت، آموزش و تولید به روش‌های مدرن می‌داند. از اصول توسعه آن است که شرایط توسعه برای همه افراد فارغ از جنس، طبقه، نژاد و قومیت به طور برابر فراهم آید، از این‌رو، وجود تبعیض‌های گوناگون بین زنان و مردان در موارد متعدد منجر به طرح بحث جنسیت و توسعه شده است. نظریه برابری به عنوان یکی کردن مفهوم توسعه و تساوی شناخته شده است و توجه اولیه آن معطوف به عدم تساوی بین مرد و زن در حیطه زندگی فردی، اجتماعی و بین گروه‌های اجتماعی و اقتصادی است (Ritzer<sup>۴</sup>، ۱۳۷۴).

نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه‌ی یک کشور است و از دیرباز تاکنون عامل پیشرفت ممالک مختلف بوده است (بنداری، ۱۳۷۵؛ به نقل از شیرکرمی، ۱۳۹۴). برخی از کشورهای توسعه یافته از مدت‌ها قبل مهمنت‌رین و تنهایت‌رین منبع رشد اقتصادی خود را نیروی انسانی قلمداد نموده‌اند که از طریق تخصص، مهارت، تجربه و خلاقیت خود سازمان را به سمت رسیدن به اهدافش به پیش می‌برد و دستیابی سازمان به مزایای رقابتی را تسهیل می‌نماید. بنابراین بسیاری از کشورها و سازمانها بر روی این عامل با ارزش سرمایه‌گذاری نموده و سعی در بارور نمودن آن دارند، در نتیجه جوامعی به پیشرفت و ترقی و تعالی سازمانی رسیده‌اند که توانسته‌اند این نیروها و استعدادهای نهفته را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل نمایند (عطارد و همکاران، ۱۳۹۳). در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷، توسعه‌ی انسانی به عنوان "فرآیند افزایش دهنده کران بهزیستی زندگی انسانها و فراهم کننده امکان برخورداری از گزینش‌های بهتر تعریف شده است. در این گزارش به مسأله فقر تنها از بعد درآمدی نگریسته نشده است، بلکه فقر به معنای محروم ساختن افراد از امکان انتخاب و فرستاد دستیابی به بهزیستی زندگی انسانی، مورد بازبینی قرار گرفته است. یونسکو<sup>۵</sup>، سازمان خواروبار جهانی<sup>۶</sup> و سازمان بین‌المللی کار<sup>۷</sup>، به اتفاق به منظور فقرزدایی اقداماتی را شروع و اهدافی را به شرح زیر تعیین نمودند و سقف زمانی دستیابی به این اهداف را سال ۲۰۱۵ اعلام کردند: ۱) کاهش جمعیت متأثر از فقر؛ ۲) دستیابی به آموزش ابتدایی برای کلیه واجب‌التعلیمان، ۳) کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال تا دو سوم و کاهش مرگ و میر نوزادان تا سه چهارم، ۴) اشاعه‌ی بهداشت اولیه همگانی (گزارش توسعه‌ی انسانی، ۱۹۹۷ ص ۱۲۸).

نتایج حاصل از تحقیقات فراوان تأیید می‌کند که صرف هزینه در راه آموزش و پرورش، نماینده سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است؛ آن هم سرمایه‌گذاری‌ای که هم برای فرد و هم برای جامعه سودبخش است (متولی و آهنچیان، ۱۳۹۰ ص ۱۹۵).

<sup>۳</sup>. Stiglitz

<sup>۴</sup>. Ritzer

<sup>۵</sup>. UNESCO

<sup>۶</sup>. FAO

<sup>۷</sup>. ILO

از مطالعات مشهور در زمینه وضعیت توسعه‌ی نیروی انسانی، مطالعه هاربیسون و مایرز<sup>۸</sup> (۱۹۶۷) است که ۷۵ کشور جهان را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند. هاربیسون و مایرز، کشورهای مورد مطالعه‌ی خود را از نظر پیشرفت اقتصادی به چهار گروه تقسیم کرده‌اند: نخست، کم‌توسعه یافته (۱۷ کشور)، دوم، نیمه توسعه یافته (۲۱ کشور)، سوم، نیمه پیشرفت (۲۱ کشور) و سطح چهارم، پیشرفت (۱۶ کشور). طبق مطالعه هاربیسون و مایرز، در قاره آسیا کشورهای افغانستان و عربستان در سطح اول (ضعیفترین سطح) توسعه قرار گرفته‌اند. ایران، پاکستان و عراق در سطح دوم توسعه قرار دارند. کشورهای تایلند، هندوستان، تایوان و کره جنوبی در سطح سوم قرار گرفته‌اند و تنها کشور ژاپن است که در کنار کشورهای فرانسه، انگلستان و هلند در سطح چهارم توسعه قرار گرفته‌است (آغازده، ۱۳۸۶ ص ۱۱۸).

جدول ۱. جمعیت بیسواندان به تفکیک جنسیت در مناطق مختلف جهان

درصد بیسواندان به تفکیک جنسیت			سال	مناطق مختلف
کل	زن	مرد		
۶۰/۲	۷۱/۹	۴۸	۱۹۸۰	آفریقا
۴۳/۸	۵۴	۳۳/۵	۱۹۹۵	
۲۰/۳	۲۲/۵	۱۷/۹	۱۹۸۰	آمریکای لاتین
۱۳/۴	۱۴/۵	۱۲/۳	۱۹۹۵	
۳۹/۳	۵۰/۷	۲۸/۲	۱۹۸۰	آسیا
۲۷/۷	۳۶/۶	۱۹/۱	۱۹۹۵	
۴/۱	۵/۸	۲/۲	۱۹۸۰	اروپا
۱/۵	۱/۸	۱/۲	۱۹۹۵	
۷/۹	۹/۸	۶	۱۹۸۰	اقیانوسیه
۵/۲	۶/۵	۳/۹	۱۹۹۵	
۶۳/۵	۷۵/۱	۵۱/۷	۱۹۸۰	کم‌تر توسعه یافته
۵۱/۲	۶۱/۹	۴۰/۵	۱۹۹۵	
۴۲	۳۵/۲	۳۱/۱	۱۹۸۰	در حال توسعه
۲۹/۸	۳۸/۳	۲۱/۱	۱۹۹۵	
۳/۴	۴/۶	۲	۱۹۸۰	توسعه یافته
۱/۳	۱/۶	۱/۱	۱۹۹۵	

مأخذ: سالنامه آماری یونسکو، ۱۹۹۶ جدول ۱۰۱، ص ۸۹-۸۲.

در آسیا نیز حدود یک سوم مردم و نزدیک به نیمی از مردم قاره آفریقا تا سال ۱۹۹۵ بیسواند بوده‌اند. با اندکی تأمل در آمارهای جهانی منتشر شده، می‌توان دریافت که مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، نشان‌دهنده‌ی تفاوت فراوان در موارد مطرح شده می‌باشد.

<sup>۸</sup>. Harbison & Myers

## جدول ۲. روند توسعه انسانی ایران

سال	امید به زندگی	میانگین سالهای مدرسه	مقدار توسعه انسانی HDI
۱۹۸۰	۵۱/۱	۲/۱	۰/۴۳۷
۱۹۸۵	۵۰/۱	۲/۸	۰/۴۵۴
۱۹۹۰	۶۱/۸	۳/۷	۰/۵۳۴
۱۹۹۵	۶۸/۲	۴/۴	۰/۵۹۶
۲۰۰۵	۷۱/۳	۶/۱	۰/۶۷۱
۲۰۱۱	۷۳/۰	۷/۳	۰/۷۰۷

مأخذ: گزارش راهبردی شماره ۱۵۹ (طهماسبی، ۱۳۹۱ ص ۱۰).

در کل، روند رشد شاخص‌های توسعه انسانی در بیشتر مناطق جهان کند شده است. اما کشورهای با توسعه انسانی پایین با سرعت بالاتری در حال پیشرفت هستند. در عین حال، رتبه کشورها از نظر شاخصهای توسعه انسانی تنها تغییراتی جزئی داشته است.

در سال ۲۰۱۳، جمهوری اسلامی ایران به لحاظ توسعه انسانی، جایگاه ۷۵ را در میان کشورهای جهان کسب کرده است. ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه ۷۳ را به خود اختصاص داده بود. اما ایران همچنان در میان کشورهای گروه توسعه انسانی بالا، قرار دارد. گزارش توسعه انسانی، نروژ را به عنوان توسعه یافته‌ترین کشور جهان در حوزه توسعه انسانی معرفی کرده است. بعد از کشور نروژ، استرالیا، سوئیس، هلند، ایالات متحده، آلمان و نیوزیلند در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین سنگاپور در رتبه ۹، عربستان ۳۴، کویت ۴۶، لبنان ۶۵، ترکیه ۶۹ بالاتر از ایران قرار دارند.

## توسعه و آموزش

در مجموعه دگرگونی‌های اجتماعی قرن اخیر، گرایش شدید به آموزش و پرورش جالب توجه است، گرایشی که تقریباً فراغیر و جهانی است. در جامعه‌ی امروز همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی، اجتماعی، پیشرفتی و در حال پیشرفت به مسئله تربیت توجه دارند و آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیت‌های اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره‌مند است. این توجه شدید بی‌دلیل نیست و بر منطقی قوی بنیاد شده است. دنیای امروز تربیت فرزند را از نیازهای اولیه زندگی می‌شناسد (معیری، ۱۳۷۱).

منافع آموزشی بر پایه نظریه سرمایه انسانی اندازه‌گیری می‌شود؛ بر اساس این نظریه، آموزش باعث افزایش تخصص و مهارت افراد (سرمایه انسانی) می‌شود و به این ترتیب، بهره‌وری آنها را بالا می‌برد و در یک بازار کار رقابتی، به فرد با کارایی بالاتر دستمزد بالاتری نیز پرداخت می‌گردد. بنابراین در شرایطی که بقیه عوامل ثابت فرض شود، تفاوت در سطح آموزش بین افراد به تفاوت دریافتی‌های آنها می‌انجامد. همچنین می‌توان بین نرخ‌های بازدهی خصوصی و نرخ‌های بازدهی اجتماعی نیز تفاوت قائل شد. نرخ‌های بازدهی خصوصی، منافع آموزش برای فرد را با هزینه آموزشی برای او مقایسه می‌کنند و اطلاع لازم در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را برای فرد فراهم می‌آورند. نرخ‌های بازدهی اجتماعی منافع آموزشی برای جامعه را با هزینه‌های آن برای جامعه مقایسه می‌کنند و برای تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری‌های دولتی به منظور دستیابی به کارایی خارجی در آموزش، اطلاعات را در اختیار می‌گذارند (نفیسی، ۱۳۸۰).

اگر به آثار و نوشت‌های متفکران و نظریه‌پردازانی که در گذشته‌های دور به مسائل تعلیم و تربیت توجه داشتند نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که این صاحب‌نظران به اهمیت و نقش سازنده تعلیم و تربیت در پرورش اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انسان‌ها توجه داشته‌اند. یعنی همواره تعلیم و تربیت را فرایندی مناسب برای آماده‌سازی افراد به عنوان شهروندانی شایسته تلقی نموده‌اند. اما اینان به وضوح درباره تأثیر تعلیم و تربیت در رشد و پیشرفت اقتصادی جوامع سخن به میان نیاورده‌اند. اما پس از

وقوع انقلاب صنعتی اروپا و استفاده از ماشین در امر تولید، و بارز شدن ضرورت تربیت انسانی به منظور فعالیت در بخش نوبای صنعت، بررسی تأثیر آموزش و پرورش در رشد اقتصادی جوامع مورد توجه قرار گرفت. اندک‌اندک در میان متفکران کشورهایی که در قرن هیجدهم به سوی صنعتی شدن حرکت می‌کردند، این باور به وجود آمد که آموزش و پرورش می‌تواند به رفاه مردم و پیشرفت اقتصادی جوامع کمک کند (فیوضات، ۱۳۸۹).

شولتز<sup>۹</sup> (۱۹۶۸)، یکی از دانشمندان بنام اقتصاد آموزش و پرورش بر اساس تحقیقات خود، و بررسی‌های دیگر دانشمندان، بدین نتیجه رسیده است که آموزش و پرورش از نظر بهره اقتصادی، هم زودبهره است، هم دیربهره، هم کالای مصرفی است، هم سرمایه. لذت و تمتعی که ضمن تحصیل کردن به دست می‌آوریم، چون در نقش خود ارضاء‌کننده است، زود بهره می‌باشد و از نظر اقتصادی به منزله کالای مصرفی محسوب می‌شود. ولی دانش و معرفت و قابلیت‌هایی که بر اثر تحصیل به دست می‌آوریم، از میان نمی‌رود و ذخیره می‌شود و موقعی که به کار اشتغال یافته‌یم نتیجه می‌دهد و بدین اعتبار دیر بهره است و سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید (همان).

امروزه بررسی‌های تجربی روشن می‌کند که وجه ممیزه و مشخصه شهرنشینی جهان سومی، ناموزونی و بی‌عدالتی است. پیامد این گستردگی شدن تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی در بین شهروندان، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی و ناهنجاری‌های اجتماعی را به همراه داشته است (کریمیان بستانی و رجبی، ۱۳۸۹). امروزه در مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها به توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و رفاه شهروندان توجه فراوانی شده است. در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار، فرض بر این است که چنانچه هزینه‌ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم‌های برابری، تنها صرف توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری شود، خود باعث تشدید نابرابری بین اقسام مختلف خواهد شد. بنابراین مهمترین مسئولیت برنامه‌ریزان، باید تلاش برای دستیابی به فرصت‌های برابر در دسترسی گروه‌های مختلف به خدمات و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌ها و دسترسی‌ها باشد.

در میان اشکال گوناگون نابرابری، نابرابری بین شهر و روستا در بین کشورهای در حال توسعه از بر جستگی خاصی برخوردار است. مایر<sup>۱۰</sup>، به نقل از چلبی (۱۳۷۵) می‌گوید: مهم‌ترین تضاد طبقاتی در کشورهای فقیر جهان امروز، تضاد طبقات شهری و طبقات روستایی است؛ چرا که بخش روستایی دارای بیشترین فقر است. آمارهای منتشر شده از یونسکو حاکی از آن است که گسترش کمی و بهره مندی برابر از امکانات و تجهیزات آموزشی در بسیاری از مدارس و نقاط جهان و کشورمان، ایران با چالش مواجه است و شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد وضعیت عمومی مدارس مناطق روستایی و دورافتاده برای یک یادگیری مناسب، چندان مطلوب نیست (آهنچیان، ۱۳۸۷).

در هنگام تخصیص منابع و امکانات آموزشی و فضاهای آموزشی بین شهر و روستا و گاه‌آین مناطق یک شهر، تفاوت وجود دارد و برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر مرتفع و برخوردارتر هستند. این نابرابری‌ها خصوصاً در زمینه تخصیص اعتبارات به منظور ساخت فضاهای آموزشی، نمود بیشتری پیدا می‌کند. همچنین مدارس و فضاهای آموزشی نه تنها برای آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرند بلکه باید نیازهای عاطفی و روحی دانش آموزان را هم تأمین نمایند. طراحی مناسب و وسعت کافی مدارس از عواملی است که به صورت بالقوه می‌تواند بر فرآیند یاددهی- یادگیری تأثیر گذار باشد. همچنین از نظر برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اندازه و وسعت مدرسه با گستردگی و عمق برنامه‌های درسی ارائه شده بستگی مشبت، قوی و یکنواختی دارد. کارشناسان تربیتی در شرایط متعادل فضای آموزشی لازم برای هر ثبت نام را بین ۳ تا ۵ متر مربع عنوان کرده‌اند (معیری، ۱۳۷۱).

تمرکز زیر ساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلند مدت نابرابر فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این موضوع در جریان تولید مناطق پیشرفتی و عقب مانده تاثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابه جایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و

<sup>۹</sup>. T.W.Schultz

<sup>۱۰</sup>. Mayer

منطقه‌ی دیگر از توسعه باز می‌ماند. از مجموع مباحث مطرح شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هم برنامه‌ها و سیاست‌ها و هم برنامه ریزان و سیاست گذاران بر روند توسعه و برابری مناطق به طور کلی و بر بهبود و برابری فرهنگی و برابری آموزشی به طور احص، بسیار تأثیر گذار است و اگر برنامه‌ها و سیاست‌ها به طور اصولی و بر حسب نیاز مناطق طرح ریزی شوند، و نیز اگر برنامه ریزان و سیاست گذاران ذی ربط تمام امکانات و اعتبارات و استعدادهای هر منطقه را به صورت صحیح و اصولی به کار گیرند، می‌توان به کاهش نابرابری‌های آموزشی امیدوار بود.

### نابرابری آموزشی

یکی از مسائل اساسی در جامعه‌شناسی، نابرابری اجتماعی می‌باشد که بیشتر مباحث آن در طبقه اجتماعی متمرکز است. بیش از ۳۰ سال است که جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که جنس و نژاد در ساخت نابرابری سهیم است و حتی گفته‌اند که مطالعه‌ی قشریندی اجتماعی در تفکرات جامعه‌شناختی، جریانی مردانه بوده است (O'Brien<sup>۱</sup>, ۱۹۸۱). حضور زنان در فرایند توسعه در راستای نظریه برابری مطرح می‌شود. نظریه برابری به عنوان یکی کردن مفهوم توسعه و تساوی شناخته شده است و توجه اولیه آن معطوف به عدم تساوی بین مرد و زن در حیطه زندگی فردی، اجتماعی و بین گروههای اجتماعی و اقتصادی است. فرض مهم در نظریه‌های برابری، این است که نابرابری‌های موجود در بین زنان و مردان در تقسیم منابع و منافع به این دلیل نیست که آنان تفاوت‌های طبیعی مهمی دارند، بلکه زنان در موقعیت‌های نابرابری قرار گرفته و سازمان جامعه در این نابرابری نقش اساسی دارد، لذا دگرگون ساختن موقعیت‌های زنان امکان پذیر است (Ritter, ۱۹۷۴). برنامه ریزی درسی و مدیریت باید قالب‌های ذهنی جنسی را مورد شناسایی قرار دهد و کنش متقابل میان معلم و شاگرد را همسان سازد.

تحقیقات در مورد آزمون‌های استاندارد اونیل (۲۰۰۰) در دانشگاه‌های بریتانیا و البرتا نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی اغلب بر آزمونهای خواندن و نوشتن و در گزینش و تمایل زنان به دروسی مانند ریاضیات و دروس تکنولوژیکی و کامپیوتر تأثیر دارد و زنان در این رابطه به طور معنادار کارایی کمتری از خود در مقایسه با مردان نشان داده‌اند. انجمان زنان آمریکا در این رابطه گزارشی را در سال (۱۹۹۲) ارائه کردند که اشاره به این مطلب داشت که زنان در کلاس‌ها کمتر مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند و اغلب بازخوردهای منفی از طرف معلمان دریافت می‌کنند و بطور ضمنی نوعی تعصب جنسیتی را در کلاس‌های درس، برنامه‌های درسی، بویژه برنامه‌های درسی پنهان در این رابطه می‌توان مشاهده کرد و نیز اغلب باورهای زنان در مورد تحصیلات بر این اساس شکل می‌گیرد که تحصیلات خیلی مهم نبوده و همسانی رفتارهای آنها با مردان در کلاس‌ها سبب برچسب‌های خاص از طرف بزرگسالان بخصوص از طرف معلمانتشان خواهد شد (Ry, ۲۰۰۱).

همچنان که اشاره شد، نابرابری بین شهر و روستا در بین کشورهای در حال توسعه از بر جستگی خاصی برخوردار است. وجود دارد و برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر مرتفع و برخوردارتر هستند. این نابرابری‌ها خصوصاً در زمینه تخصیص اعتبارات به منظور ساخت فضاهای آموزشی، نمود بیشتری پیدا می‌کند. همچنین مدارس و فضاهای آموزشی نه تنها برای آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرند بلکه باید نیازهای عاطفی و روحی دانش آموزان را هم تأمین نمایند. طراحی مناسب و وسعت کافی مدارس از عواملی است که به صورت بالقوه می‌تواند بر فرآیند یاددهی-یادگیری تأثیر گذار باشد. همچنین از نظر برنامه ریزی و سیاست‌گذاران اندازه و وسعت مدرسه با گستردگی و عمق برنامه‌های درسی ارائه شده بستگی مثبت، قوی و یکنواختی دارد. کارشناسان تربیتی در شرایط متعادل فضای آموزشی لازم برای هر ثبت نام را بین ۳ تا ۵ متر مربع عنوان کرده‌اند (عیری، ۱۳۷۱).

شناخت نابرابری‌ها خصوصاً نابرابری‌های آموزشی در چهارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف (کشور، استان، شهرستان و بخش) و در نتیجه پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها از وظایف اساسی برنامه ریزی آموزش و پرورش و متولیان توسعه مناطق به شمار می‌آید. بررسی نابرابری و وجود آن در محدوده‌های

<sup>۱</sup>. O'Brien

جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه ریزان و سیاست مداران قرار گرفته است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است، زیرا در حقیقت کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه یافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴). بنابراین عدم برنامه‌ریزی صحیح در آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر شکل‌گیری نابرابریهای آموزشی محسوب شود. برنامه ریزی آموزش و پرورش از عوامل موثر بر بهبود و توسعه آموزش است و نیز برنامه ریزی غیر متمرکز و نیمه متتمرکز در سطح محلی و منطقه‌ای می‌تواند به عنوان عاملی مهم در روند برابری آموزشی بین مناطق، ایفای نقش نماید.

### جنسيت و نابرابری آموزشی

ولستون کرافت شاید نخستین کسی است که از واژه «نابرابری جنسیتی» استفاده نموده است. از نظر کرافت نفاوت‌های بین دو جنس نشات گرفته از اجتماع است و نه به صورت طبیعی بلکه از طریق اجتماع رخ داده است. در نظام‌های مردسالارانه افراد می‌آموزند که به دیگران و بخصوص به زنان به دیده تحقیر بینگرنند. نظام مردسالارانه ریشه در خانواده، اجتماع، ایدئولوژی سیاسی و ملیت دارد و خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری‌های نقش‌ها و پایگاه‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی کردن ایدئولوژی مرد سالارانه دارد (کرافت، به نقل از علی‌بور و همکاران، ۱۳۹۰).

دیلاسپندر معتقد است نظام‌های آموزشی بازتاب فرضیات مردانه درباره جهان بوده است، به طوری که در این نظام‌های آموزشی دختران می‌آموزند که هنرمندان، نویسندها، جامعه شناسان بزرگ همگی مرد بوده و در تمامی حوزه‌های دانش آنها برتری دارند، بطوری که حتی شاهد رشته‌های آموزشی که برچسب زنانه و مردانه دارند می‌توان بود (همان). تمیان (۱۹۹۹) مطرح می‌کند که گاهی تبعیض جنسیتی به نقش‌های جنسی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، به طوری که در بسیاری از فرهنگ‌ها هنوز این اعتقاد وجود دارد که جای زنان در خانه است و زنان فقط در نقش مادران و خانه‌داری باید ظاهر شوند. مطالعات کلاسیک صورت گرفته در مورد نابرابری‌های آموزشی به عدم مشارکت‌های؛ اجتماعی بویژه از سوی مردان اشاره دارد (بلو و دانکن، ۱۹۶۷؛ بوردیو و پاسیرون، ۱۹۷۷؛ کولین، ۱۹۷۹).

تحقیقات در مورد آزمون‌های استاندارد اونلاین (۲۰۰۰) در دانشگاه‌های بریتانیا و البرتا نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی اغلب بر آزمونهای خواندن و نوشتن و در گزینش و تمایل زنان به دروسی مانند ریاضیات و دروس تکنولوژیکی و کامپیوتر تاثیر دارد و زنان در این رابطه به طور معنادار کارایی کمتری از خود در مقایسه با مردان نشان داده‌اند. انجمن زنان آمریکا در این رابطه گزارشی را در سال (۱۹۹۲) ارائه کردند که اشاره به این مطلب داشت که زنان در کلاس‌ها کمتر مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند و اغلب بازخوردهای منفی از طرف معلمان دریافت می‌کنند و بطور ضمی نوعی تعصب جنسیتی را در کلاس‌های درس، برنامه‌های درسی، بویژه برنامه‌های درسی پنهان در این رابطه می‌توان مشاهده کرد و نیز اغلب باورهای زنان در مورد تحصیلات بر این اساس شکل می‌گیرد که تحصیلات خیلی مهم نبوده و همسانی رفتارهای آنها با مردان در کلاس‌ها سبب برچسب‌های خاص از طرف بزرگسالان بخصوص از طرف معلمانتان خواهد شد (ری، ۲۰۰۱).

کار پایه عمل کنفرانس زن، پکن ۱۹۹۵ با بررسی وضعیت آموزش زنان در کشورهای مختلف و وجود نابرابری‌ها و فاصله‌های جنسیتی در دسترسی به آموزش، ایجاد یک نظام آموزش حساس به جنسیت<sup>۱۲</sup> را تضمینی در جهت دسترسی به فرصت‌های برابر مشارکت زنان و مردان در اداره‌ها، آموزش و پرورش و تصمیم‌گیری آموزشی به شمار آورده. در آموزش و پرورش حساس به جنسیت باید این اطمینان وجود داشته باشد که زن و مرد بودن و جنسیت موجب دسترسی یا عدم دسترسی به امکانات و منابع آموزشی نمی‌شود (کار پایه و اعلامیه پکن، ۱۳۷۵).

<sup>۱۲</sup> Gender – Sensitive Education

## جمع‌بندی

هر تغییر و تحول سازنده‌ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد تحقق یافتنی نیست و نیروی انسانی کارآمد در سایه‌ی فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. بر این اساس، طی دهه‌های اخیر موضوع فرصت‌های برابر آموزشی، همواره مورد بحث صاحبنظران بوده و هست (مشايخ، ۱۳۷۷). با توجه به اهمیت روزافزون منابع انسانی به عنوان عامل مهم تحول در عصر رقابت، توسعه و بهبود مستمر منابع انسانی و پرورش آنها به گونه‌ای اجتناب ناپذیر ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس شناخت دقیق ابعاد توسعه منابع انسانی و ارائه راه حل‌های اصولی و منطقی در جهت توانمندسازی و توسعه آنها از اهم وظایف و مشغله‌های سازمانها (تونکه نژاد و داوری، ۱۳۸۸)، و کشورهاست.

امروزه نیروی انسانی و آموزش و سرمایه‌گذاری در این بخش از ارکان اساسی توسعه به حساب می‌آید. نیروی انسانی از مهمترین مسائل نظام آموزشی هر کشور تلقی می‌شود و به منظور برنامه‌ریزی صحیح و اصولی، داشتن اطلاعات در مورد کمیت و کیفیت نیروی انسانی به عنوان عوامل درونی یک نظام آموزشی ضروری است.

با دقت در آمارهای جهانی منتشر شده در میابیم که طی دهه‌های انتهایی قرن بیستم درصد بیسوادی در آسیا و خصوصاً در آفریقا بسیار بالاست. در زمینهٔ مشارکت زنان در مدیریت مالی و فنی، کشورهای پیشرفته (نسبت به سایر کشورها) پیشتازند. در مجموع، روند رشد شاخصهای توسعه انسانی در بیشتر مناطق جهان کند شده است. اما کشورهای با توسعه انسانی پایین تر با سرعت بالاتری در حال پیشرفت هستند و این امر موجب افزایش امیدواری در راستای کاهش شکاف میان کشورهای فقیر و کم و توسعه با کشورهای ثروتمند و صنعتی شده است.

## مراجع و منابع

- آفازاده، احمد (۱۳۸۶). آموزش و پرورش تطبیقی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۷)، فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه‌ای در مدارس مناطق مرزی و غیر مرزی استان خراسان رضوی، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۶، دوره سوم، سال چهاردهم، شماره ۳ ص ۴۴-۲۷.
- اسمعایل سرخ، جعفر (۱۳۸۶)، نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی) در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۲۳، شماره ۳.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۱)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه فرجادی پور، چاپ دوم، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- تونکه نژاد، ماندنی؛ داوری، علی (۱۳۸۸). توسعه منابع انسانی با رویکرد جامعه شناختی سازمان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۳، ص ۵۱-۸۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران، نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فاطمی.
- شیرکرمی، جواد (۱۳۹۴)، تحلیل وضعیت توسعه‌ی منابع انسانی در ایران و جهان، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه کسب و کار، ۶ و ۷ آبان ۹۴، ایران، تبریز.
- عبدوس، میترا (۱۳۸۱)، بررسی عوامل موثر در فرصت‌های آموزش نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- عطارد، علی؛ نوابخش، مهرزاد؛ فتحی، سعید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نظام ارزیابی عملکرد کارکنان بر عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی انسانی شهرداری اصفهان، چاپ نشده.

علی پور، وحیده؛ توکلی، سوده؛ سرمدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، مطالعه ای پیرامون چگونگی برابری جنسیتی در آموزش و ارتقای امنیت روانی زنان جامعه ایران از طریق آموزش های مجازی، پژوهش های روانشناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴ ص ۶۵.

فیوضات، یحیی (۱۳۸۹)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، چاپ بیست و سوم، تهران، مؤسسه نشر ویرایش طهماسبی، جواد (۱۳۹۱). شاخص های توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی، گزارش راهبردی ۱۵۹، معاونت پژوهش های اقتصادی، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

کار پایه و اعلامیه پکن سند چهارمین کنفرانس جهانی زن ۱۹۹۵ (۱۳۷۵)، ترجمه علی آرین و علی میرسعید قاضی، تهران، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.

کریمیان بستانی، مریم؛ رحمی، آزیتا (۱۳۸۹). تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تأکید بر نابرابری های آموزشی (مورد شناسی: شهر زاهدان)، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال هفتم، شماره دوم، ص ۹۱-۱۰۲.

گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۸۴)، فرایند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات مدرسه.

مشایخ، فریده (۱۳۷۷)، فرایند برنامه ریزی آموزشی، تألیف گروه مشاوران یونسکو، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مدرسه.

مشایخ، فریده (۱۳۷۹)، دیدگاه های نو در برنامه ریزی آموزشی، تهران، انتشارات سمت.

مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات قومس.

معیری، محمدطاهر (۱۳۷۱)، مسائل آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیر کبیر.

موسوی، غلامرضا (۱۳۸۸)، بررسی میزان نابرابری فرصت های آموزشی دوره های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی استان ایلام در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۸۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد درفول.

نفیسی، عبدالحسین (۱۳۸۰). دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

O'brien, m (۱۹۸۱), the politics of Reproduction, London, Rutledge & key an paul.

O'neill, T (۲۰۰۰), Boy's. Problems don't matter, Report/ Newsmagazine(national Edition) ۲۷(۱۵) , ۵۴- ۵۶.

Reay, D (۲۰۰۱), spice girls, Nice Girls, Girlies, and Tom boys, X discourses, Girls cultures X and y, ۱۳(۲), ۱۵۳-۱۶۷.

Tomasevski, Katarina (۲۰۰۵), Education Denied costs and Remedies, March ۲۰۰۳.

## The study of human resources, education and inequality

### Abstract

Along with the development of human societies, factors such as uneven development and the gap between societies have always been raised. On the other hand, any form of change no matter how much human resources and equal opportunities, it will not be fruitful. The present study aims to study the concepts of development, education and inequality. In order to collect the necessary materials, a collection of related works published in relation to the topic was used, and then the description and analysis of the collected topics has been discussed. Based on the study of documents and materials, It can be concluded that societies have achieved advancement, development, and excellence that have been able to raise their human resources in quantitative and qualitative terms and their hidden talents thrived. Therefore, developing countries pay more attention to investment types in humans in terms of professional education, health, transportation, and so on. In recent decades, illiteracy rates are still high in Africa and in some Asian countries. Iran has made good changes in terms of life expectancy and average years of school attendance over the last decade.

**Keywords:** Development, human resources, Education, Inequality.